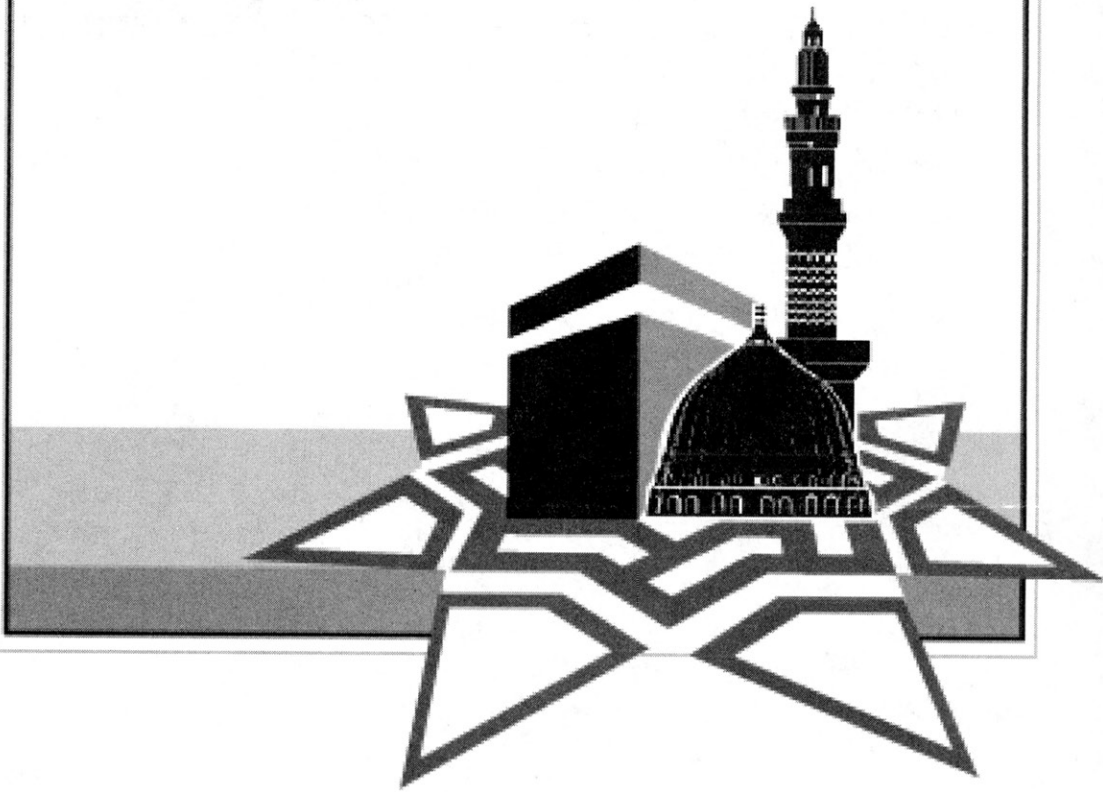


اماکن و آثار



قرن المنازل

عبدالهادی الفضلی / مهدی پیشوایی



قرن المنازل یکی از میقاتهای حج است. شناخت موقعیت جغرافیایی این میقات، هم از نظر تشابه اسمی، که با برخی از مناطق حج دارد، و هم از نظر وضع کنونی و نامهای محلی جدیدی که بر خود گرفته، از اهمیت شایانی برخوردار است. بحثی که در زیر می‌خوانید، ترجمه مقاله‌ای است تحلیلی از آقای دکتر عبدالهادی الفضلی در این زمینه:

«قَرْن»، با فتح قاف و سکون راء تلفظ می‌شود. اما جوهری آن را در «صحاح» با فتح قاف و راء (قَرْن) ضبط کرده و «فیروزآبادی» در «قاموس»، او را در مورد «فتح راء» متهم به اشتباه کرده است.

ابن حجر در «فتح‌الباری» می‌گوید:

صاحب صحاح آن را با فتح راء ضبط کرده اما در این مورد وی را تخطئه کرده‌اند و «نَوَوی» در این مورد مبالغه کرده و نقل نموده است که اشتباه صاحب صحاح، مورد اتفاق است.

در این میان [قاضی] «عیاض» از «قابسی» قول سومی را نقل کرده و گفته است: «هر کس آن را با سکون راء ضبط کرده مقصودش کوهی است که در آن منطقه واقع

شده و هر کس با فتح راء دانسته مقصودش راه این سرزمین است.»
 مؤید این نظریه این است که یکی از معانی واژه «قرن» کوه کوچک منفرد و تنها است. از این جهت گاهی کوه کوچک تنها را، که در محل میقات معروف به «قرن المنازل» واقع شده به این نام می خوانده اند. به همین مناسبت قریه، و نیز وادی ای که این کوه در آنها واقع است، هر دو به این نام بوده اند و در واقع «کلّ» به نام «جزء» نامیده شده است.
 به همین مناسبت است که فیروزآبادی در قاموس می گوید:
 «قرن، نام قریه ای در طائف، یا نام همه آن وادی است.»
 شاید جهت اضافه شدن «قرن» به «منازل» این باشد که آن، تنها کوهی است که در منازل مسیر طائف - مکه، که از نخله یمانیه عبور می کند، واقع شده است.
 در بسیاری از عبارات علما، از «قرن»، به اختصار و با حذف «منازل» یاد می شود. نمونه آن در کتابهای جغرافیا [ی قدیم] مانند مناسک «حربی» و کتاب «صفة الجزيرة العربية» همدانی و امثال اینها به چشم می خورد. شاید این اختصار و حذف مضاف الیه، به خاطر شهرت آن بوده و یا به این علت بوده است که قرن - به آن معنا که گفتیم - در مسیر و منازل یاد شده، منحصر به فرد است.

موقعیت قرن المنازل

قرن المنازل یکی از منازل و مناطق سر راه حاجیان از طائف به سمت نخله یمانیه است. «حربی» در مناسک خود، درباره «راه طائف» می گوید:
 «این راه از عرفه شروع شده به کوهی به نام «کُرا» می رسد که مشرف به سنگلاخی به نام «هده» است که دارای علفزار فراوان است، و از هده به طائف منتهی می شود. طائف راه دیگری نیز دارد که از منطقه «زَیْمَه» عبور می کند و از «مُشاش» جدا شده به «قرن المنازل» می رسد و آن محلی است که پیامبر - ص - آن را میقات اهل نجد معرفی کرد و فرمود: «اهل نجد از قرن محرم می شوند.» این راه از قرن المنازل به طائف منتهی می شود... این راه در سه روز، و راه اول در دو روز طی می شود.»

راههای قدیمی قرن المنازل

راههای قدیمی که از قرن المنازل به مکه منتهی می‌شده، سه راه یاد شده در زیر بوده است:

۱- راه طائف: این راه با گذر از ملیح^۱ به ترتیب از قرن المنازل^۲، بوباء (بهیتاء)، وادی نخله یمانیه، قریه زَیْمَه، وادی سبوحه، وادی یَدَعان (جَدَعان)، شرائع (حنین) و جعرانه عبور می‌کرد و به مکه مکرمه می‌رسید.

در زمان ما این راه کوتاه‌تر شده و از مناطق: طائف، حویه، سیل صغیر، سیل کبیر (قرن المنازل)، زیمه، شرائع و جعرانه عبور می‌کند تا به مکه می‌رسد.

۲- راه یمن: راه یمن به قرن المنازل، دو راه یاد شده در زیر است:

الف - راه صنعا - صعده که از طریق «بیشه» و «وادی تره» به قرن المنازل منتهی می‌شده است.

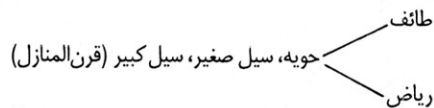
ب - راه حضر موت - نجران. این راه با راه اول در قرن تثلیث به هم رسیده با عبور از وادی تره منتهی به قرن المنازل (سیل کبیر) می‌شده است.

۳- راه یمامه (نجد): این راه از دو مسیر یاد شده در زیر بوده است:

الف - راه جنوب یمامه، که با گذر از وادی دواسر و افلاج، به راه یمامه متصل شده، به قرن المنازل (سیل کبیر) می‌رسیده است.

ب - راه میانه یمامه که با گذر از مویه و عُشیره به راه طائف متصل شده، از طریق حویه، سیل صغیر به سیل کبیر (قرن المنازل) می‌رسیده است.

در زمان ما دو راه اصلی که از طائف و ریاض (نجد) به قرن المنازل منتهی می‌شود به این کیفیت است:





وضع کنونی قرن المنازل

امروز قرن المنازل قریه کوچکی است که «سیل» «سیل کبیر» نامیده می‌شود تا از قریه سیل صغیر که در مسیر طائف یا ریاض به مکه، قبل از سیل کبیر قرار گرفته، مشخص شود. در این قریه دو مسجد قدیمی و یک مسجد نوساز وجود دارد که برای احرام ساخته‌اند. این قریه از راه ریاض - مکه، حدود هشتاد کیلومتر تا مکه فاصله دارد به این کیفیت که راه ریاض - مکه، در حویه، به سمت راست منحرف شده با عبور از طائف به سیل صغیر و سپس به سیل کبیر می‌رسد.

وادی سیل یا قرن، تا حدود وادی غدیرین، نزدیکی ارتفاعات هدا کشیده می‌شود که در آنجا «وادی مخرم» قرار دارد که - به عقیده برخی، حدّ نهایی قرن‌المنازل است، ولی بنا بر مشهور، محاذی آن می‌باشد.

توضیح یک اشتباه در موقعیت قرن

در این جا مناسب است به یک اشتباه که در مورد قرن‌المنازل (میقات اصلی) و محاذی آن؛ یعنی وادی مخرم رخ داده و این میقات - به خاطر اشتراک لفظی -، با برخی نقاط دیگر مشتبه شده، اشاره کنیم: این اشتباه لغوی ابتدا از ناحیه «مطرزی» بوده و بعد، گروهی از فقها [بدون توجه] از او پیروی کرده‌اند. خلاصه مطلب بدین قرار است:

واژه «قرن» در زبان عربی، از مصادیق لفظی است؛ یعنی در بیش از یک معنا به کار می‌رود. به حسب آنچه در کتابهای لغت و فرهنگنامه‌های عربی آمده، این واژه در سی معنا یا بیشتر به کار رفته است.

یکی از معانی این واژه، که از آنها یاد شده، نام چند محل و موضع است که برخی از آنها در منطقه حج و برخی دیگر در خارج از آن قرار دارد. خلط و اشتباهی که به آن اشاره کردیم، در مورد تعیین و تشخیص محل‌های واقع در منطقه حج صورت گرفته است. خوب است نخست محل‌هایی را که طبق نقل لغت نامه‌های عربی در منطقه حج قرار دارند، بشناسیم و سپس با بررسی عبارتهای لغت‌دانان، موارد خلط و اشتباه را روشن سازیم. محل‌هایی که به

این نام، در منطقه حج قرار دارند، سه موضع یاد شده در زیر هستند:

۱- کوه مشرف بر عرفات

۲- قریه‌ای در نزدیکی طائف یا کل آن وادی

۳- قرن الثعالب

اگر بخواهیم موقعیت جغرافیایی موضع اول را مشخص و معین کنیم، باید توجه داشته باشیم که از این موضع در زبان عربی به این صورت یاد شده است: «الجبل المطل أو المشرف علی عرفات» و می‌دانیم که این دو ماده وقتی که با «علی» متعدی می‌شوند؛ مانند: اشرف علی المكان یا اطل علی المكان، مفهوم مترادف می‌یابند و معنای اشراف و نگاه به یک محل از نقطه‌ای بلند را می‌دهند. بنابراین معنای جمله مزبور این خواهد بود:

«قرن کوهی است که مشرف بر عرفات است و نگاه به آن دارد. پس این کوه یا در کنار عرفات یا در نقطه‌ای نزدیک آن قرار دارد و می‌توان از فراز آن، عرفات را مشاهده کرد.

در این باره حدیثی است که محل وقوف پیامبر اسلام - ص - را در عرفات، در روز عرفه مشخص می‌کند. از این حدیث استفاده می‌شود که کوه مشرف بر عرفات، همان «جبل الرحمه» است که در عرفات واقع است؛ زیرا این کوه مصداق «قرن» است؛ یعنی کوهی است کوچک، منفرد و سیاه‌رنگ. و در حدیث نیز با این ویژگیها از آن یاد شده است.

«زبیدی» در «تاج العروس» می‌گوید:

چنانکه اصمعی گفته، قرن کوهی است مشرف بر عرفات.

«ابن اثیر» می‌گوید:

قرن کوه کوچکی است و حدیثی که می‌گوید: پیامبر اسلام در روز عرفه در کنار قرن سیاه وقوف کرد، به این کوه تفسیر شده است.

«بلادی» در کتاب «معجم معالم الحجاز» می‌گوید:

این که اصمعی گفته است: «کوه مشرف بر عرفات»، همان جا است که امروز به نام قرین، جبل الرحمه، و جبل عرفات مشهور است و در قدیم، «إلال» نامیده می‌شد، و آن غیر از قرن المنازل است که میقات اهل یمن محسوب می‌شود.

اما قریه یا وادی‌ای که در نزدیکی طائف قرار دارد، در ستون معانی متعددی است که در کتاب «قاموس المحيط» برای واژه «قرن» برشمرده است. مؤلف این کتاب - در شمارش



معانی این واژه - چنین می‌گوید:

«کوهی مشرف بر عرفات، دارای سنگ نرم و پاکیزه، میقات مردم نجد که قریه‌ای نزدیک طائف یا نام همه آن وادی است.»

زیبیدی - در مقام شرح و توضیح سخن مؤلف قاموس - معنای اخیر را با قرن‌المنازل تطبیق می‌دهد و می‌گوید: قرن‌المنازل میقات مردم نجد است که در نزدیکی طائف قرار دارد. اما قرن‌الثعالب نام دو محل است:

۱- قرن‌المنازل؛ یعنی نام دوم قرن‌المنازل معروف است.

ابن اثیر در «نهایه» می‌گوید:

«در حدیث مربوط به معرفی میقاتها آمده است که پیامبر اسلام قرن را میقات اهل نجد قرار داد.»

در روایتی دیگر آمده است که قرن‌المنازل نام محلی است که مردم نجد در آن جا محرم می‌شوند. بسیاری که آگاهی ندارند، آن را با فتح «را» می‌خوانند در حالی که با سکون «را» صحیح است و قرن‌الثعالب نیز نامیده می‌شود.

«طریحی» در «مجمع‌البحرین» آورده:

قرن، نام محلی است، و آن میقات اهل نجد است که قرن‌المنازل و قرن‌الثعالب نیز نامیده می‌شود.

۲- کوه مشرف بر دامنه‌ی منا که بین آن و بین مسجد منا (مسجد خَیْف) هزار و پانصد ذراع فاصله است.

از کسانی که از این محل یاد کرده‌اند، فاضل هندی در کتاب «کشف‌اللثام» است، چنانکه نجفی [شیخ محمدحسن] در جواهر [الکلام] و [آیت الله] حکیم در کتاب مستمسک [العروة الوثقی] این معنا را از وی نقل کرده‌اند.

بلادی در «معجم معالم الحجاز» می‌گوید: قرن‌الثعالب، تپه کوچکی در منا بوده که از بین رفته است.

اینک که با توضیحات گذشته، با حدود و موقعیت محل‌های یاد شده آشنا شدیم، تعبیرها و تعریف‌های لغت‌دانان را که آمیخته با اشتباه، و خلط در مورد این محلها است، از نظر می‌گذرانیم:

«جوهری» (ت ۶۰۶ هـ) در «صحاح» می‌گوید: قرن، نام محلی است و آن میقات اهل نجد است. «ابن اثیر» (ت ۶۰۶ هـ) در «نهایه» می‌گوید: در حدیث مربوط به معرفی میقاتها آمده است که پیامبر اسلام - ص - قرن را میقات اهل نجد قرار داد. و در روایت دیگر آمده است: قرن المنازل نام محلی است که اهل نجد در آن جا محرم می‌شوند. چنانکه ملاحظه می‌شود، در این دو تعریف جایی که قرن در آن واقع شده، مشخص نشده است.

اما «مطرزی» (ت ۶۱۶ هـ) - که معاصر ابن اثیر بوده - در کتاب «المغرب» می‌نویسد: قرن، میقات اهل نجد است که کوه مشرف بر عرفات است. سپس می‌افزاید: در صحاح با فتح «راء» ضبط شده که درست به نظر نمی‌رسد.

این عبارت، به روشنی محل قرن المنازل را مشخص می‌کند و آن را کوه مشرف بر عرفات می‌داند.

پس از مطرزی، «فیومی» نیز دچار این اشتباه شده است. وی در «مصباح المنیر» چنین گفته: قرن - با سکون راء - میقات اهل نجد است که کوهی مشرف بر عرفات است. قرن المنازل و قرن الثعالب نیز نامیده می‌شود. این عبارت نیز در تعیین محل قرن المنازل روشن است. پس از مطرزی و فیومی، «فیروز آبادی» (ت ۸۱۶ هـ) نیز از لغزش مصون نمانده است. وی در «قاموس» - در مقام شمارش موارد استعمال واژه قرن - سه معنای یاد شده در زیر را بدین گونه معرفی می‌کند:

«کوه مشرف بر عرفات»، «سنگ نرم پاکیزه» و «میقات اهل نجد» که قریه‌ای است در طائف یا نام همه آن وادی است که قریه در آن قرار دارد.

این عبارت هم به روشنی می‌رساند که «کوه مشرف بر عرفات» غیر از «میقات اهل نجد» است؛ زیرا میقات به آن عطف شده و نیز معنای دوم (سنگ نرم پاکیزه) بین آن دو فاصله ایجاد کرده است. همچنین این عبارت نشان می‌دهد که میقات اهل نجد، قریه یا وادی است نه کوه.

در این جا یادآوری می‌کنیم که در عبارت مطرزی، اشتباه از حذف واو عطف ناشی شده است؛ زیرا خوب بود جمله «قرن، میقات اهل نجد است که کوه مشرف بر عرفات است»^۳ را با



ذکر واو عطف می آورد و چنین می گفت:

«قرن، نام میقات اهل نجد و نیز کوه مشرف بر عرفات است.»^۲

البته ممکن است این اشتباه از ناحیه ناسخ و هنگام استنساخ یا در چاپ رخ داده باشد و ممکن است از ناحیه خود مطرزی باشد؛ زیرا وی از لغت دانان محقق نبوده است. به نظر می رسد که فیومی خواسته است در مصباح، عبارت مطرزی را در «المغرب» که بالای صفحات آن نقل شده، تصحیح کند؛ زیرا به نظر وی، مقصود مطرزی یک معنا بوده نه دو معنا. از این نظر گفته است:

«القرن: میقات اهل نجد و هو جبل مشرف علی عرفات.»

«قرن میقات اهل نجد است و آن عبارت از کوه مشرف بر عرفات است.»

بدین ترتیب او با افزودن ضمیر منفصل «هو» بر عبارت مطرزی، چنین وانمود کرده است که کوه مشرف بر عرفات، در واقع صفت میقات اهل نجد است. فیومی با این کار، گروهی از مؤلفان و شارحان مناسک را که بعدها به این دو کتاب مراجعه کرده اند، دچار اشتباه کرده است. از آن جمله حسین بن محمد سعید بن عبدالغنی مکی حنفی در حاشیه خود بنام «ارشاد الساری الی مناسک الملاعلی القاری»، صفحه ۵۵، قرن را چنین معرفی کرده است: «قریه ای است در نزدیکی طائف.» در کتاب المغرب آمده است: «قرن، میقات اهل نجد است که کوهی مشرف بر عرفات است...» در المصباح نیز به همین گونه آمده است. در کتاب شرح المصباح آمده است: «قرن، کوهی با سنگهای پوک و نرم است. این کوه همچون تخم مرغ، گرد و مدور، و مشرف بر عرفات است.» در کتاب البحر الرائق نیز از این تعریف پیروی شده و چنین آمده است: «کوهی است مشرف بر عرفات». عین این عبارت در شرح شیخ عبدالله عقیف و شیخ عبدالرحمان مرشدی و شرح فرزندش، همچنین در شرح شیخ حنیف الدین مرشدی بر مناسک نیز، تکرار شده است.»

چنین اشتباهی را در کتاب «ریاض» تألیف سید طباطبایی نیز مشاهده می کنیم. وی نوشته است: این میقات، قرن الثعالب و قرن (بدون اضافه) نیز نامیده می شود و آن عبارت از کوهی است مشرف بر عرفات که تا مکه دو منزل راه است. این لغزش در کتاب «کشف اللثام»، تألیف فاضل هندی نیز به چشم می خورد، شیخ محمد حسن نجفی در کتاب «جواهر» می نویسد: در کشف اللثام آمده است:

«قرن، کوهی مشرف بر عرفات، در فاصله دو منزلی مکه است». «مامقانی» نیز در کتاب «المناهج» می‌گوید: «قرن‌المنازل کوهی مشرف بر عرفات، در دو منزلی مکه است، و آن میقات اهل طائف است». استاد شهید ما «صدر» نیز در کتاب «الموجز» در شمارش میقاتها می‌نویسد: «...سوم: قرن‌المنازل است که در کوه مشرف بر عرفات قرار دارد.»

گویا معرفی این میقات به عنوان کوهی مشرف بر عرفات، گروهی را دچار حیرت و سرگردانی کرده است؛ زیرا در عرفات کوهی که عنوان مشرف بر عرفات بر آن صدق کند، وجود ندارد؛ از این رو آن را به «کوه کُرا» تفسیر کرده‌اند چنانکه قاضی عید در شرح المناسک می‌گوید: «این کوه در میان مردم مکه و اهل این منطقه «کُرا» - با فتح کاف و راء - نامیده می‌شود. و آنچه در قاموس ذکر شده موافق سخن شارح - ره - می‌باشد؛ زیرا در قاموس، در مقام شمارش معانی «قرن» آورده است: کوهی است مشرف بر عرفات و سنگ نرم و پک پاکیزه، میقات اهل نجد و آن قریه‌ای است در نزدیکی طائف و نام همه آن وادی است... عبارت شیخ قطبی در کتاب «منسک» نیز چنین است: «قرن کوهی است که در آن قریه‌هایی در نزدیکی طائف هست و دارای کشتزارها و باغهایی است و میوه‌های آن به مکه حمل می‌شود...» قاضی عید سپس می‌افزاید: نام قریه یاد شده «هدا» است...

سخنان قاضی عید از چند جهت قابل تأمل است:

۱ - او با ملاحظه عبارت مطرزی و فیومی که گفته‌اند: «کوهی است مشرف بر عرفات» گمان کرده است این عبارت صفت میقات است، از این رو خواسته است بین عبارت این دو، و عبارت فیروزآبادی (در قاموس) سازگاری ایجاد کند تا نتیجه بگیرد که میقات عبارت از کوه مشرف بر عرفات است و به همین جهت واو عطف را از عبارت مزبور حذف کرده است زیرا اگر واو ذکر می‌شد، استدلال ناقص می‌گشت و نیز وجود واو عطف ثابت می‌کرد که میقات، یکی دیگر از معانی قرن (غیر از کوه مشرف بر عرفات) می‌باشد. او از این نکته غفلت کرده است که در عبارت قاموس، قبلاً دو معنا برای قرن ذکر شده است که عبارتند از: کوه مشرف بر عرفات و سنگ نرم پاکیزه.

بنابراین اگر کلمه «میقات» که بعد از این دو معنا ذکر شده، به ماقبلش ارتباط پیدا کند، معنا این خواهد بود که: «میقات، عبارت است از سنگ نرم، نه کوه مشرف بر عرفات» و با این



ترتیب استدلال وی ناقص خواهد بود. جاداشت که قاضی عید متوجه اشتباه در عبارت مطرزی و فیومی می‌شد و با توجه به آنچه در قاموس و تاج و کتابهای لغت دیگر آمده، آنها را تصحیح می‌کرد.

۲ - هیچ کس احرام از قریه «هدا» واقع در کوه «کرا» را - از هر نقطه آن که باشد - جایز نمی‌داند، بلکه همه فقها، احرام از محل معروف به «وادی مَحْرَم» را در آن قسمت که در کنار طائف واقع شده است، واجب می‌دانند. علت وجوب احرام از این محل این است که وادی مَحْرَم در انتهای قرن المنازل یا محاذی آن می‌باشد در حالی که احرام در هر نقطه از قریه سیل را کافی می‌دانند.

۳ - میان کوه «کرا» و وادی عرفات، وادی بزرگ کرا و نیز وادی نعمان قرار دارد، بنابراین نمی‌توان گفت که کوه «کرا» در عرفات واقع شده و بر آن مشرف است، بلکه چنانکه عیناً مشاهده می‌شود، این کوه، مشرف بر وادی بزرگ کرا است که پس از مسافت طولانی، در حدود دهها کیلومتر، به وادی نعمان منتهی می‌شود و وادی نعمان به عرفات متصل است.

۴ - آنچه از عبارت کتابهای لغت - که می‌نویسند: «قرن، کوهی است مشرف بر عرفات» - به روشنی استفاده می‌شود، این است که کوهی که بر عرفات مشرف است اسمش فقط «قرن» است و مضاف الیه «المنازل» یا «الثعالب» و امثال اینها ندارد. بنابراین تفسیر آن به «قرن المنازل» نیاز به دلیل دارد. از این گذشته قبلاً گفتیم که مقصود از این کوه، «جبل الرحمه» است.

در پایان مناسب است دو نکته را یادآوری کنیم:

۱ - چنانکه در بسیاری از کتابهای لغت تصریح شده، قرن المنازل، گاهی قرن الثعالب نیز نامیده می‌شود.

۲ - محلی در دامنه «منا»، نزدیکی مسجد خَیْف، قرن الثعالب نامیده می‌شود.

● پی‌نوشتها:

- ۱ - که امروزه «سیل صغیر» نامیده می‌شود.
- ۲ - در این زمان سیل کبیرش می‌نامند.
- ۳ - والقرن میقات اهل نجد جبل مشرف علی عرفات.
- ۴ - والقرن میقات اهل نجد و جبل مشرف علی عرفات.